

پیش‌خواب

«برونده‌ای ناتمام» از زندگی و اسناد منوچهر آزمون

ان خیل مدیران مطیع پهلویست!

■ **محمد رضا کابینی**



خوانش چگونگی برآمدن و ترفیع مدیران حکومت پهلوی دوم به ویژه پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در زمره رهیافت‌های شاخص، به این دوره از تاریخ معاصر ایران است. منوچهر

آزمون که در این طیف از مسئولان وقت به شمار می‌رود، برونده‌ای دارد ناخواسته و قفلور که بخش‌هایی از آن توسط مختار حدیدی و جلال فرهمند (پژوهندگان وقایع دوران پهلوی‌ها) مورد بازخوانی قرار گرفته است. در دیباچه این اثر – که توسط پژوهشگاه مطالعات تاریخ معاصر ایران نشر یافته – چنین آمده است:

«از آغاز دهه ۴۰ شمسی چرخشی نو در انتخاب مدیران ارشد رژیم پهلوی آشکارا به چشم می‌خورد. این چرخش، جایگزین شدن سیاستمداران قدیمی،استخواندار و صاحبنظر نظامی‌قوام‌السلطنه، زاهدی و… با مدیران جوان و گمنام است.مدیرانی کاملاً مطیع که در برابر قدرت‌خواهی مطلق شاه، سهمی نخواهند و در تمامی وجه سر سپرده وی باشند. در این دوره با تبدیل کانون ترقی به رهبری حسنعلی منصور به حزب قدرتمند دولتی ایران نوین که اکثر اعضای آن جوانان تحصیل‌کرده خارج از کشور هستند، حزب به دستگاهی برای پرورش و ورود این جوانان در اکثر پست‌های حساس و مهم حکومتی تبدیل می‌شود. افرادی چون منوچهر آزمون، امیرعباس هویدا، جمشید آموزگار و بسیاری دیگر از این طبقه نوظهور حکومتی، سر بر می‌آورند. منوچهر آزمون که در فاصله سال‌های ۱۳۳۷ – ۱۳۳۲ از فعالان رسمی حزب توده در آلمان شرقی است در چرخشی ایدئولوژیک و



■ **منوچهر آزمون کنار امیرعباس هویدا در حاشیه یکی از سفرها**

رفتاری که بیشتر متأثر از تمایلات بلندپروازانه شخصی در کسب قدرت و به هم خوردن معادلات سیاسی است، از حزب توده خارج می‌شود و پس از مدتی خبرچینی برای ساواک به استخدام رسمی آن درمی‌آید و در اندک زمانی به سرمدار مبارزه سازماندهی شده ساواک با حزب توده در اروپا تبدیل می‌شود. وی با پشتکار قوی و حمایت‌های دوستان فراوانش در حاکمیت، به سرعت در مجاری قدرت ترقی پیدا می‌کند و در اس‌های بعدی به عنوان وزیر در کابینه‌های هویدا و شریف امامی مشغول کار می‌شود. در پنجم آبان ۱۳۵۷ که سقوط دولت شریف امامی قطعی به نظر می‌رسید، آزمون از وزارت استعفا کرد و در ۹ آبان ۱۳۵۷ خود حزب جدیدی به نام اتحاد خلق ایران تشکیل داد که چند روز بیشتر فعالیت نکرد و با بازداشت آزمون کارش پایان یافت. از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل دادگاه‌های انقلاب، وی در بعدازظهر یک‌شنبه، ۱۹ فروردین ۱۳۵۸ در شعبه سوم دادگاه انقلاب محاکمه گردید. دادگاه پس از هشت ساعت دادرسی و دو ساعت و نیم شور، چهار نفر از وابستگان رژیم پهلوی، از جمله منوچهر آزمون را به اعدام محکوم کرد. همچنین به حکم این دادگاه، اموال وی مصادره شد.»

این مقدمه در ادامه، به گزارشی پیرامون تولید تحقیق در باره زندگی منوچهر آزمون پرداخته و چنین آورده است: «تحقیق و بررسی پیرامون زندگی چنین شخصیت‌هایی که در سایه شخصیت‌های مشهور به فراموشی سپرده شده‌اند، می‌تواند ما را متوجه جزئیات و کم و کیف بسیاری از حوادث و جریانات تاریخی نماید که شاید در پژوهش‌های پیرامون زندگی بزرگان از آن محروم بمانیم. اثر پیش‌رو با بررسی شرح زندگی سیاسی منوچهر آزمون از ابتدای فعالیتش در حزب توده (در آلمان شرقی) تا دوران خدمت اداری‌اش در ساواک تا بالاترین سطوح (با دسترسی به اسناد شخصی آزمون در مؤسسه) و نیز مسئولیت‌های مهم وی در کابینه هویدا و شریف امامی، سعی دارد مطالب حائز اهمیت‌ی از خط و ربط‌های عملکردی نهادهای امنیتی عصر پهلوی دوم را مورد بررسی و واکاوی قرار دهد. ارائه بیش از ۷۰۰ صفحه اسناد نوشتاری و تصویری مرتبط با وی (به‌صورت خام) و از ویژگی‌های قابل اعتنای این اثر هستند و تاریخی است.»

■ **فاطمه عظیمیان**

بستر سازی امریکا برای سلطه همه‌جانبه بر ایران در طول تاریخ، به شیوه‌هایی گوناگون صورت پذیرفته است که اعزام هیئات تبلیغ مسیحیت به ایران در زمره آنهاست. در مقال پی آمده، مؤلف می‌کوشد تا حرکت خزنده این گروه‌ها در تبدیل تبلیغات مذهبی به بسترسازی سیاسی برای سلطه را نشان دهد. امید آنکه تاریخ پژوهان ایران معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ **چشم‌اندازی از حضور میسیون‌ها در ایران**

ایران در دوران حکومت قاجارها با توجه به ضعف سیاسی حاکمان و ماهیت قبیله‌گی و بی‌دانشی پادشاهان آن صحنه تاخت و تاز و تهاجم دو قدرت استعمارگرو روس و انگلیس قرار گرفت و به‌مرور دستاوردهای عظیم تمدن و فرهنگ کشور به تاراج رفت. جنگ‌های اول ایران و روس، حمله انگلستان به ایران در قالب قراردادهای استعماری رویتر، رژی و داریس و مدارس‌ی که پیش از آن ادامه کار آنها جلوگیری شده بود، مجدداً شروع به فعالیت کردند! ایجاد کانون‌هایی که مروج فرهنگ غربی بودند و مبادلات فرهنگی را در کنار داد و ستد تجاری و اقتصادی می‌جستند، در واقع رنگ‌ختری بود.برای فرهنگ، زبان، تمدن و دین این کشور، در دهه‌های ۲۰ و ۵۰ که اوج به قدرت رسیدن امریکا در ایران است. علاوه بر تسلط امریکا بر جنبه‌های سیاسی، اقتصادی واجتماعی کشور، رد پای حضور آنان در بعد آموزشی نیز به‌وضوح قابل رؤیت است. در تهران و بسیاری از شهرهای بزرگ، مدارس خارجی، کانون‌های زبان، شعباتی از انجمن ایران و امریکا،انتشار ماهنامه ایران و امریکا، مبادله استاد و دانشجو، اعطای بورس تحصیلی و ترویج مسیحیت و تبلیغ آن در مدارس و حمایت‌های مالی و معنوی دولت پهلوی از آنها امری آشکار و پذیرفته شده به شمار می‌رفت!

■ **با تعریف معنای میسیون**

تأسیس مدارس امریکایی در ایران، با آغاز فعالیت میسیون‌های امریکایی همراه است. در نگاه اول، میسیونر مترادف با انسان والایی است که در سخت‌ترین شرایط و با امکاناتی اندک، با فداکاری به یاری محرومان جهان می‌شتابد! در حقیقت فعالیت میسیون‌ها چه در مرحله تکوینی خود که موجبش کلیسا بود و انگیزه‌اش رساندن پیام انجیل به مردم دنیا و چه بعد از آن که به همه‌جا گسترش یافت و آگاهانه یا ناآگاهانه باسیاست استعماری غرب در ارتباط بود، سعی می‌کرد تا آن را به گونه‌ای توجیه کند.

■ **فعالیت میسیون‌های مسیحی در جهان**

فعالیت‌های تبلیغی مسیحیان برای ترویج آرا و عقاید خود در سایر سرزمین‌ها از صدر مسیحیت شروع شده و همچنان ادامه دارد. در بسیاری از کشورهای آفریقایی، امریکای لاتین و کشورهای حوزه خلیج‌فارس و از جمله ایران صفحاتی از تاریخ سیاسی این مناطق به فعالیت مبلغان مذهبی اختصاص یافته است. حضور مبلغان مذهبی در کشورهای که سابقه سلطه استعماری دارند، تحت حمایت کشور متبوع، برای انتشار عقاید و تبلیغ افکار خود به سهولت صورت گرفته است و در این میان تبلیغ در کشورهای اسلامی برای مبارزه با دین و ضدیت با مذهب، از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. تبلیغ از فعالیت‌های ارتباطی است که باید برای انجام آن از فیزیکی استفاده کرد که بتوان طرف مقابل را متقاعد نمود تا به هدف اصلی که تأثیرگذاری بر مخاطب که مردم هستند، دست یافت. در مورد نوع ارتباط میسیونرهای مذهبی با مردم باید گفت اگر از انواع رسانه‌ها مانند کتاب، روزنامه و مجله برای تبلیغ استفاده شود، ارتباط رسانه‌ای است و به فعالیت‌هایی که به‌صورت سنتی و آموزش افراد در حوزه

ارتباط است، متقاعدگرایانه و غیر رسانه‌ای می‌گویند. ازجمله مهارت‌های اصلی مبلغان در شکل سنتی، مدیریت تنش و کنترل تنش، آموزش زبان‌های خارجی و مهارت‌های ارتباطی میان فردی است. **پیشینه حضور میسیون‌های مسیحی در ایران** پیشینه حضور مبلغان مسیحی در ایران را باید همزمان با ظهور دین مسیح دانست. مبلغان گاه انفرادی و گاه به‌صورت هیئت‌های تبلیغی، در جوامع مختلف ایران حاضر می‌شدند. تا آغاز قرن ۱۶ م. کلیسای کاتولیک نقابت‌گانی از سوسی پاپ را به نقاط دور و نزدیک دنیا ازجمله ایران برای تبلیغ مسیحیت می‌فرستاد، اما آمن‌ مذهب پروتستان در نیمه قرن ۱۶ م – که اعتراضی بود از رجال دینی اروپا به مذهب کاتولیک– بخشی از امر تبلیغ بر عهده میسیونر پروتستان قرار گرفت. هر چند کلیسای کاتولیک همچنان و بلکه با قدرت بیشتر به این امر می‌پرداخت.

ایران در دهه پایانی قرن ۱۸ م. شاهد ورود و فعالیت هیئت‌های تبلیغی کلیسای پروتستان بود که در کنار دو کلیسای کاتولیک و ارتدکس، با فعالیت‌های گسترده، توانسته بودند کلیساهایی ایجاد کنند و به حیات خود ادامه دهند. کشورهای مسلمانن چون ایران و عثمانی، به علت حضور اقلیت‌های غیرمذهبی مانند زرتشتی، یهودی، ارمنی و همجواری با روسیه بیشتر مورد توجه میسیونرهای مذهبی قرار گرفتند و فعالیت مبلغان در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی، برابر با ۱۳ و ۱۴ شمسی به دلیل انقلاب صنعتی و دیپلماسی عمومی کشورهای امریکا و انگلیس بیشتر شد و آنان تصمیم به گسترش مسیحیت در کشورهای مختلف گرفتند.

■ **اقدامات میسیون‌های مذهبی در ایران**

مبلغان امریکایی را می‌توان پیشگام فعالیت‌های گسترده تبلیغاتی در ایران دوره قاجار دانست. آنان از سال ۱۸۲۲ م/ ۱۲۴۸ ق شروع به شناسایی زمینه‌های فعالیت در ایران کردند، اما فعالیت رسمی آنها در سال ۱۸۲۵ م/ ۱۲۵۱ ق آغاز شد. به مبلغان امریکایی در ایران توصیه‌هایی مشابه دیگر مبلغان شده بود؛ مسافرت



محمدشاه قاجار

زمان محمدشاه، مسیحیان در میان جمعیت ۷میلیونی ایران، اقلیت بزرگی را تشکیل داده بودند. آنها سنت‌های دیرین خود را داشتند که با برخی از آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی آمیخته بود. متون دینی آنها آمیخته به نقش‌هایی بود که یادآور مینیاتورها های ایرانی در داستان‌های حماسی است

تاریخ

کفت و گو ۸۸۴۹۸۴۳۷



فعالیتی از دانش آموزان و آموزگارسدبدرسه زنگبارک تهران، در دوران رضاخان عسکر، آنبول سوزوگین

نظری بر زمانه و کارنامه میسیون‌های امریکایی در ایران

تبلیغ مذهبی یا بسترسازی برای سلطه؟

کردن، یادگیری زبان‌های محلی، گفت‌وگو با مردم از هر طبقه و جلب اعتماد آنها به هر وسیله. آنها وظیفه داشتند پیش از سفر به ایران درباره فرهنگ و اعتقادات مردم بومی، به‌خوبی مطالعه کنند. نویسنده کتاب «مبلغان مسیحی در ایران» عقیده دارد: «میسیون‌های مذهبی از همان ابتدا، مأموریتشان معلوم بوده است و در حالی که فعالیت آنها از همان ابتدا در هر سه حوزه سازماندهی شده بود، اما هر گونه تبلیغ مذهبی را انکار و وانمود کردند که فقط، قصد اصلاح کلیسای نستوری آوردن میسیون در ارومیه، سدی در برابر ترک‌ان به شمار می‌رفت یا حداقل دولت ایران امیدوار بود «پادریان» به خاطر منافع خودشان در برابر حملات عثمانی‌ها مقاومت کنند. اما میسیونرهای مذهبی، کوچک‌ترین دلبستگی به دولت ایران نداشتند و مأموریت دیگری را پی گرفتند! جان پرکینز – که یکی از کشیشان گروه بود– اعتقاد داشت: «باید محمد گرای و اسلام را در ایران، با درخشش فراینده تمدن غرب و میسیون‌ها، به‌ارمی بدون خطر کمرنگ گردد»! مبلغین انگلیسی که در زمان فتحعلی شاه به ایران آمده و حوارج تأسیس یک مدرسه دخترانه را از دولت گرفته بودند، کمک زیادی به مبلغین امریکایی کردند و «زورق ولف» کشیش انگلیسی، در جایگز شدن این هیئت تلاش زیادی نمود.

وظیفه عمده میسیون‌های امریکایی، آماده ساختن کلیسای نستوری برای رهبری نهضت اصلاحات روحانی در آسیا تعیین شده بود. آنها در رفتار خود، از آداب و رسوم آشوری‌ها تقلید می‌نمودند و همین باعث موفقیت آنها شد. اما بزرگ‌ترین مانع در راه فعالیت میسیون‌ها مسئله بی‌سوادی مردم و فقدان کتب و مطبوعات، به زبان جدید آشوری بود. یک سال بعد یزشکی به نام «سامل ایزه‌ل گرات» به همراه همسرش، وارد ارومیه شدند، بنابراین نخستین میسیون‌ها پیاد می‌شود، در میسیون نستوری‌ها بود که در سال ۱۸۲۵ م، شروع به کار کردند. حدود ۳۰ الی ۴۰ هزار نستوری، در اطراف دریاچه ارومیه واقع در شمال غربی ایران، پیرو دستور یوس مقدس بودند. پیش از آمدن میسیونرها، آشوری‌ها که در متون و ادبیات ایرانی، آنان را نصرانی یا نصاری می‌خواندند، بیشتر دینشان نستوری بود و بیشتر مسیحیان نیز در آذربایجان زندگی می‌کردند. این امریان پیرو یسوع بودند که شامل ارتدکس، پروتستان و کاتولیک می‌شدند. به گفته میسیونرها، نصرانی‌ها چنان در انزوا زندگی می‌کردند که، از نظر دینی از تناد یافته بودند! در زمان محمدشاه، مسیحیان در میان جمعیت ۷میلیونی ایران، اقلیت بزرگی را تشکیل داده بودند که حدود ۲۴هزار نفر در تبریز و ۴۰هزار نفر در روستاهای ارومیه و کردستان بودند. آنها سنت‌های دیرین خود را داشتند که با برخی از آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی آمیخته بود. متون دینی آنها آمیخته به نقش‌هایی بود که یادآور مینیاتورها های ایرانی در داستان‌های حماسی است دکتر گرات پزشک هیئت امریکایی، وقتی چشمه‌ای به این متون افتاد، وحشت زده و باآگاه، بدآسوزی و بد آیینی را در میان این قوم گزارش کرد و حال مبلغان می‌خواستند هر چه زودتر، این فرهنگ بومی را از میان بردارند و آنها را به‌سوی آموزه‌های خود سوق دهند. جان آلدر، درباره نستوریان مقیم ارومیه چنین می‌گوید: «اطلاعات نستوریان از اصول دین مسیح، در آن زمان در سطح ابتدایی و تعداد باسوادان انگشت‌شمار بود. بیشتر ارومیه‌شده بودند. مبلغان امریکایی برای شناخت وضعیت آشوری‌های ایران و پیدا کردن منطقه مناسب برای تبلیغ، ابتدا اولین مبلغ خود را به ایران فرستادند. او جوانی به نام «ادوینام جادسون» بود و سپس «ج. ال مریک» به اصفهان اعزام شد. دو کشیش به نام‌های «الی

د

ساموئل پنجامین: «ا ایرانی‌ها به‌طور کلی از اقامت میسیونرهای مذهبی در کشورشان نفرت دارند و هر گونه ارتباط و تماس با آنها را تحریم می‌کنند. البته طبق قرار داد ایران و امریکا میسیونرها می‌توانند در ایران اقامت کنند ولی با قرارداد که کارها در دست نمی‌شود و قرارداد که جلوی احساسات مردم را نمی‌گیرد! باز هم ایرانی‌ها مردمان خوبی هستند که با وجود این احساسات مخالف، اجازه می‌دهند میسیونرها در خاک آنها باقی بمانند…»

اسمیت» و «تئوتی دوايت» نیز که از سوی هیئت مأموریت‌های خارجی مبلغین مذهبی امریکا برای شناسایی نستوری‌های مقیم شمال غربی به ایران آمدند، نتوانستند به محل سکونت آشوریان دست یابند، زیرا آنها در کوهستان و به‌دوراز چشم دیگران زندگی می‌کردند، اما با یکی از کشیشان قوم آشنا شدند که «مار یوهانا» نام داشت و او را با خود به امریکا بردند! آن کشیش، امریکایی‌ها را در فراهم آوردن گزارشی ذیل نام: «پژوهشی در ارمنستان و ایران» یاری رساند.

با توصیه‌های این دو کشیش، هیئت امریکایی مأمورینی را برای کلیسای نستوری گسیل کرد که این میسیون‌ها به نام «همیسون اعزامی نزد نستوری‌ها» نامیده شدند. بدین ترتیب در سال ۱۸۲۳ م/ ۱۲۴۹ ق کشیش جاستین پرکینز و همسرش، کشیش «هاس» و «بانو «هلین» «هستودارد» و دوشیزه «مار» به همراه چندین خدمتکار، وارد ایران شدند و ملک قاسم میرزا حاکم ارومیه از آنها استقبال کرد. دولت قاجار و حاکمان محلی ارومیه، در برابر ترک عثمانی، از مسیحیان منطقه و سپس از اقدامات معلوم شده است و حمایت کردند و استقبال حاکم ارومیه نیز از سرند در داشتند. برای دولت ایران برای نهادهای دینی و آموزشی میسیون در ارومیه، سدی در برابر ترک‌ان به شمار می‌رفت یا حداقل دولت ایران امیدوار بود «پادریان» به خاطر منافع خودشان در برابر حملات عثمانی‌ها مقاومت کنند. اما میسیونرهای مذهبی، کوچک‌ترین دلبستگی به دولت ایران نداشتند و مأموریت دیگری را پی گرفتند! جان پرکینز – که یکی از کشیشان گروه بود– اعتقاد داشت: «باید محمد گرای و اسلام را در ایران، با درخشش فراینده تمدن غرب و میسیون‌ها، به‌ارمی بدون خطر کمرنگ گردد»! مبلغین انگلیسی که در زمان فتحعلی شاه به ایران آمده و حوارج تأسیس یک مدرسه دخترانه را از دولت گرفته بودند، کمک زیادی به مبلغین امریکایی کردند و «زورق ولف» کشیش انگلیسی، در جایگز شدن این هیئت تلاش زیادی نمود.

وظیفه عمده میسیون‌های امریکایی، آماده ساختن کلیسای نستوری برای رهبری نهضت اصلاحات روحانی در آسیا تعیین شده بود. آنها در رفتار خود، از آداب و رسوم آشوری‌ها تقلید می‌نمودند و همین باعث موفقیت آنها شد. اما بزرگ‌ترین مانع در راه فعالیت میسیون‌ها مسئله بی‌سوادی مردم و فقدان کتب و مطبوعات، به زبان جدید آشوری بود. یک سال بعد یزشکی به نام «سامل ایزه‌ل گرات» به همراه همسرش، وارد ارومیه شدند، بنابراین نخستین میسیون‌ها پیاد می‌شود، در میسیون نستوری‌ها بود که در سال ۱۸۲۵ م، شروع به کار کردند. حدود ۳۰ الی ۴۰ هزار نستوری، در اطراف دریاچه ارومیه واقع در شمال غربی ایران، پیرو دستور یوس مقدس بودند. پیش از آمدن میسیونرها، آشوری‌ها که در متون و ادبیات ایرانی، آنان را نصرانی یا نصاری می‌خواندند، بیشتر دینشان نستوری بود و بیشتر مسیحیان نیز در آذربایجان زندگی می‌کردند. این امریان پیرو یسوع بودند که شامل ارتدکس، پروتستان و کاتولیک می‌شدند. به گفته میسیونرها، نصرانی‌ها چنان در انزوا زندگی می‌کردند که، از نظر دینی از تناد یافته بودند! در زمان محمدشاه، مسیحیان در میان جمعیت ۷میلیونی ایران، اقلیت بزرگی را تشکیل داده بودند که حدود ۲۴هزار نفر در تبریز و ۴۰هزار نفر در روستاهای ارومیه و کردستان بودند. آنها سنت‌های دیرین خود را داشتند که با برخی از آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی آمیخته بود. متون دینی آنها آمیخته به نقش‌هایی بود که یادآور مینیاتورها های ایرانی در داستان‌های حماسی است دکتر گرات پزشک هیئت امریکایی، وقتی چشمه‌ای به این متون افتاد، وحشت زده و باآگاه، بدآسوزی و بد آیینی را در میان این قوم گزارش کرد و حال مبلغان می‌خواستند هر چه زودتر، این فرهنگ بومی را از میان بردارند و آنها را به‌سوی آموزه‌های خود سوق دهند. جان آلدر، درباره نستوریان مقیم ارومیه چنین می‌گوید: «اطلاعات نستوریان از اصول دین مسیح، در آن زمان در سطح ابتدایی و تعداد باسوادان انگشت‌شمار بود. بیشتر ارومیه‌شده بودند. مبلغان امریکایی برای شناخت وضعیت آشوری‌های ایران و پیدا کردن منطقه مناسب برای تبلیغ، ابتدا اولین مبلغ خود را به ایران فرستادند. او جوانی به نام «ادوینام جادسون» بود و سپس «ج. ال مریک» به اصفهان اعزام شد. دو کشیش به نام‌های «الی

■ **میسیون‌های مذهبی در ارومیه**

میسیونرهای امریکایی از طرف «انجمن امریکایی اعزام مبلغ به خارج» به ایران فرستاده شدند. هدف آنان توانا کردن کلیسای نستوری در شرق آسیا بود. در این منطقه، حدود ۱۴۰هزار مسیحی زندگی می‌کردند. شناخت مبلغان نسبت به جامعه ایرانی، به سفرهای متعدد آنها در گذشته و رسالات و مقالات دیگر مبلغان استوار بود. میسیونرهای مذهبی، ابتدا با هدف تبلیغ مسیحیت و فرقه مورد نظر خود، به نستوری‌های مقیم ایران وارد ارومیه شده بودند. مبلغان امریکایی برای شناخت وضعیت آشوری‌های ایران و پیدا کردن منطقه مناسب برای تبلیغ، ابتدا اولین مبلغ خود را به ایران فرستادند. او جوانی به نام «ادوینام جادسون» بود و سپس «ج. ال مریک» به اصفهان اعزام شد. دو کشیش به نام‌های «الی

۹جوان

ارونامه جوان | شماره ۶۲۵۹

■ **پرداخت پول به آشوریان برای پذیرش باورهای مذهبی!**

در مورد پراکندگی جغرافیایی آشوریان در ایران، در کتاب اوضاع سیاسی اجتماعی و اقتصادی ایران در قرن نوزدهم چنین آمده است: «به‌طور کلی بیشتر آشوریان ایران در ارومیه، سلماس، خوی، موصل و بغداد پراکنده بودند. رقابت مبلغان غربی برای نفوذ در میان نستوریان علاوه بر تبلیغ، گاه شکل تطمیع به خود می‌گرفت و مبلغان کاتولیک فرانسوی و کشیشان نستوری برای تابعیت از کلیسای رم، در رقابت با مبلغان امریکایی – انگلیسی، به آشوریان پول پرداخت می‌کردند!»

در مرحله بعد، هنگامی که جانشین پرکینز درصدد برآمد مدارس جدید تأسیس کند، با مشکلات زیادی از جمله فقدان کتاب مواجه شدند، زیرا کتب به زبان آشوری بود که آنها هم به خط قدیم که برای بیشتر مردم قابل درک نبود، نوشته شده بود. به واقع نستوریان ایران – که تابع کلیسای رم بودند– اطلاعاتشان از دین مسیح اندک و تعداد افراد باسواد آنها انگشت‌شمار بود. بیشتر کتب آنها به زبان آشوری قدیم نوشته شده بود که مردم از آن آگاهی کافی نداشتند. پایین بودن سطح سواد عمومی و بی‌اطلاعی از اصول مسیحیت، فرصت مناسبی برای میسیونرهای غربی فراهم کرد تا نستوریان را به پذیرش مذهب جدید ترغیب کنند. زمانی که مبلغان امریکایی به محل سکونت نستوریان رسیدند، فقط ۴۰ مرد و یک زن که او هم خواهر اسقف بود، سواد خواندن داشتند. آشوری‌ها قرن‌ها بود که در جوار مسلمانان زندگی می‌کردند و دیدگاه حکومت ایران نسبت به اقلیت‌های مذهبی توأم با مدارا بود. اگر هم ظلمی نسبت به آنان صورت می‌گرفت، از سوی کارگزار محلی بود اما با ورود مبلغان مذهبی، رفتار خشن با اقلیت‌ها بهانه‌ای شد که مبلغان غربی از آن به نفع خود استفاده کنند. با این همه پس از ورود مبلغان امریکایی، انگلیسی و فرانسوی اختلاف بیشتر بین فرقه‌های مسیحی و هیئت‌های تبلیغی بود تا بین مسلمان و مسیحی بومی.

■ **آغاز به کار کلیسای پرسیبتری**

کلیسای پرسیبتری یا کلیسای انجیلی، از نوع کلیسای پروتستان است و با نام فوق آمده، فعالیت خود را در ایران آغاز کرد. مبلغان کلیسای پروتستان، در دو زمینه تبلیغ مسیحیت و سیاست، فعالیت خود را آغاز کردند و به‌عنوان اولین مبلغان تانگان دولت امریکا، تلاش‌های خود را بر بخش‌های فرهنگی، بهداشتی و تبلیغ و ترویج مسیحیت متمرکز ساختند. آبراهام نیکسون وقتی درباره روابط سیاسی ایران و امریکا صحبت می‌کند، پس از اشاره به فعالیت‌های مبلغان کلیسای پروتستان می‌نویسد: «فعالیت میسیونرهای کلیسای انگلیکن، بیشتر متوجه منزه ساختن و اصلاح کلیسای نستوری‌ها بود، در حالی که پرسیبتریان‌ها، بر تغییر مذهب مسلمانان تأکید داشتند که این خود منجر به زور تغییر مذهب مسلمانان می‌شد که می‌توانست قتل عام همه خارجی‌ها را به دنبال داشته باشد!»

در تاریخ، قتل عام خارجی‌ها توسط مسلمانان ثبت‌نشده است، ولی این مطلب، نیازگر عدم پذیرش مسلمانان است. همچنان که مردم اصفهان نیز به مبلغان مذهبی روی خوش نشان دادند. پنجامین در کتاب خود تحت عنوان «سفرنامه ایران و ایرانیان» نیز به این نکته اشاره می‌کند:

«برانی‌ها به‌طور کلی از اقامت میسیونرهای مذهبی استقبال نکردند و رفتار داندو هر گونه ارتباط و تماس با آنها را تحریم می‌کنند. البته طبق قرارداد ایران و امریکا، میسیونرها می‌توانند در ایران اقامت کنند ولی با قرارداد که کارها درست نمی‌شود و قرارداد که جلوی احساسات مردم ایران نمی‌گیرد بازم می‌توانی‌ها مردمان خوبی هستند که با وجود این احساسات مخالف، اجازه می‌دهند میسیونرها در خاک آنها باقی بمانند، اما تر دیدی نیست که اگر میسیونرهای مذهبی بخواهند از حالت روستا خارج شوند، با دین آنها مخالفت کنند، بدون هیچ شکی، صبر و تحمل ایرانی‌ها تمام نشده و به احتمال قوی، مورد حمله مردم واقع می‌شوند یا دولت ایران ناچار خواهد بود برای جلوگیری از وقایع سوء، از میسیونرها بخواهد ایران را ترک نمایند.»

■ **گستره فعالیت میسیون‌ها در ایران**

پرکینز در سال ۱۸۶۹ م/ ۱۲۸۵ ق در گذشت. مرگ اوسر آغاز دادگاه‌های انقلاب است. کار تبلیغ امریکایی‌ها در ایران بود و هیئت مرکزی میسیون در امریکا اعلام کرد: «زمان آن فرا رسیده که مژده انجیل را به ملل دیگر ساکن در ایران نیز برسانند!» از این پس دیگر هدف تبلیغ، فقط نستوریان نبودند، بلکه مسلمانان هم مورد توجه قرار گرفتند و نام میسیون امریکایی در ایران، از «میسیون برای نستوری‌ها» به «میسیون برای ایرانیان» تغییر یافت که حوزه کار آنها نیز گسترش پیدا کرد. پس از حدود چهار دهه فعالیت در ایران، اولین مرحله فعالیت‌های مبلغین این کلیسا به پایان رسید. تا این که در سال ۱۸۷۱ م/ ۱۲۸۷ ق کلیسای پرسیبتری امریکا، مأمورینی به ارومیه اعزام کرد و فعالیت‌های خود را گسترش داد و طی یک دهه، در تهران ۱۸۷۲ م/ ۱۲۸۸ ق، ارومیه ۱۸۷۳ م/ ۱۲۸۹ ق، تبریز ۱۸۷۳ م/ ۱۲۸۹ ق و همدان ۱۸۸۰ م/ ۱۲۹۷ ق به دفاتر دیار کرد. در سال ۱۸۸۳ م/ ۱۳۰۰ ق به علت این که فاصله بین این دفاتر زیاد بود، هیئت مبلغین به دو قسمت تقسیم شدند. ارومیه و تبریز جزء میسیون غرب ایران و تهران و همدان از اجزای میسیون شرق ایران به حساب می‌آمدند. اما سال‌ها بعد در ۱۹۳۱ م/ ۱۳۱۰ ق این دفاتر دوباره به هم پیوستند و نام «ورشیا» را برای خود برگزیدند و در نهایت از ۱۳۳۵ م/ ۱۳۱۳ ق به نام «میسیون ایران» شناخته شدند.